

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	سخن مترجمان
۳	پیشگفتار
بخش اول: بررسی کلی	
۱۱	فصل اول: تعاریف و پیشینه
۱۲	نحو، معنی شناسی و کاربردشناسی
۱۳	قاعده مندی
۱۵	سطل زوائد کاربردشناسی
۱۸	فصل دوم: اشاره و فاصله
۱۹	اشاره شخصی
۲۲	اشاره مکانی
۲۴	اشاره زمانی
۲۷	اشاره و دستور زبان
۲۹	فصل سوم: ارجاع و استنباط
۳۱	کاربردهای ارجاعی و وصفی
۳۲	اسامی و مصادیق
۳۵	نقش همبافت
۳۶	ارجاع به ماقبل
۴۰	فصل چهارم: پیش‌انگاشت و استلزام
۴۱	پیش‌انگاشت
۴۲	انواع پیش‌انگاشت

صفحه	عنوان
۴۶	مسئله ترکیب پذیری معنایی
۵۰	استلزامهای نظم یافته
۵۲	فصل پنجم: همکاری و تضمن
۵۳	اصل همکاری در مکالمه
۵۵	عبارات احتیاط آمیز
۵۸	تضمن مکالمه‌ای
۵۸	تضمنهای مکالمه‌ای عمومی
۵۹	تضمنهای سنجه‌ای
۶۱	تضمنهای مکالمه‌ای خاص
۶۳	ویژگیهای تضمن مکالمه‌ای
۶۴	تضمنهای متعارف
۶۶	فصل ششم: کنشها و رخدادهای گفتاری
۶۷	کنشهای گفتاری
۶۹	ابزار نشانگر توان منظوری
۷۰	شرایط اقتضایی
۷۱	فرضیه اجرایی
۷۳	طبقه بندی کنشهای گفتاری
۷۶	کنشهای گفتاری مستقیم و غیرمستقیم
۷۸	رخدادهای گفتاری
۸۱	فصل هفتم: ادب و تعامل
۸۲	ادب
۸۳	وجهه خواستها
۸۴	وجهه سلبی و وجهه ایجابی
۸۵	خود و دیگری: چیزی مگو
۸۶	سخن بگو: بیان غیرمستقیم و بیان مستقیم
۸۷	ادب ایجابی و ادب سلبی

صفحه	عنوان
۸۹	راهبردها
۹۰	پیش توالیها
۹۴	فصل هشتم: مکالمه و ساختار ترجیحی
۹۴	تحلیل مکالمه
۹۶	مکنها، همپوشیها و اصواتِ توجه
۱۰۰	سبک مکالمه‌ای
۱۰۱	زوجهای همجوار
۱۰۴	ساختار ترجیحی
۱۰۹	فصل نهم: گفتمان و فرهنگ
۱۰۹	تحلیل کلام
۱۱۰	پیوستگی معنایی
۱۱۲	دانش پیش‌زمینه‌ای
۱۱۴	انگاره‌های فرهنگی
۱۱۴	کاربردشناسی میان‌فرهنگی
بخش دوم: متون برگزیده	
۱۱۸	فصل اول: تعاریف و پیشینه
۱۲۰	فصل دوم: اشاره و فاصله
۱۲۴	فصل سوم: ارجاع و استنباط
۱۲۷	فصل چهارم: پیش‌انگاشت و استلزام
۱۲۹	فصل پنجم: همکاری و تضمن
۱۳۲	فصل ششم: کنشها و رخداد‌های گفتاری
۱۳۵	فصل هفتم: ادب و تعامل
۱۴۰	فصل هشتم: مکالمه و ساختار ترجیحی
۱۴۵	فصل نهم: گفتمان و فرهنگ

بخش سوم: منابع پیشنهادی

بخش چهارم: واژه‌نامه - نمایه اصطلاحات

هفت

سخن مترجمان

ترجمه کتاب حاضر، با وجود سادگی متن انگلیسی، از دشواریها و تنگناهای خاص خود به ویژه در زمینه «معادل‌یابی» برکنار نبوده است. مترجمان بارها در حین ترجمه به این نتیجه رسیده‌اند که برای یک متخصص، تألیف کتاب در چنین موضوعی به مراتب از ترجمه آسان‌تر است. البته، غرض از بیان این مطلب توجیه نارساییهای این ترجمه نیست - که چنین نقیصه‌هایی مسلماً از دید صاحب‌نظران مخفی نخواهد ماند - اما منظور، خاطرنشان ساختن مشکلاتی است که در ترجمه متونی از این دست فراروی مترجم قرار می‌گیرد و شاید در آغاز کار برای مترجمان و در نگاه نخست برای خوانندگان محسوس نباشد.

در ترجمه حاضر معادل‌یابی اصطلاحات تخصصی دشوارترین بخش کار بوده است. بسیاری از اصطلاحات فنی پیش‌تر ترجمه شده‌اند که این اصطلاحات به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: برای گروه اول، دو یا چند معادل در فارسی ساخته شده و سعی مترجمان بر این بوده است که مناسب‌ترین را انتخاب کنند. مثلاً برای واژه «pragmatics» دو معادل «منظورشناسی» و «کاربردشناسی» وجود دارد که مترجمان دومی را مناسب‌تر تشخیص داده‌اند. برای واژه «utterance» نیز دو معادل «گفته» و «پاره‌گفت» معرفی شده است. معادل «گفته» از چند لحاظ به معنی اصلی نزدیک‌تر و به نظر مترجمان مناسب‌تر است، اما به دلیل اینکه مقبولیت عام پیدا نکرده و رواج نیافته است، مترجمان ناگزیر همان معادل «پاره‌گفت» را برگزیده‌اند. در مورد انتخاب معادلهای «بی‌نشان» و «نشان‌دار» برای «unmarked» و «marked» نیز داستان به همین قرار است. در گروه دوم، مواردی مانند تمایز بین «entailment» و «implicature» مطرح است که در معادلهای فارسی چندان توجهی بدان نشده است و تقریباً اکثر فرهنگهای لغت به پیروی از فلسفه و منطق، این دو را یکی فرض کرده‌اند، در صورتی که تمایز این دو در کاربردشناسی بسیار اساسی است. بنابراین، معادل «استلزام» برای واژه اول و «تضمن» در برابر واژه دوم انتخاب شدند. دسته

سوم مواردی مانند «deixis» را دربر می‌گیرد. در این دسته، هیچ کدام از معادل‌های رایج در منابع زبان‌شناسی (مثلاً شاخصها یا علائم اشاره‌ای) انتخاب نشده‌اند، بلکه معادل دیگری (یعنی «اشاره») پیشنهاد شده است. در هر حال، انتخاب یکی به جای دیگری بدون تأمل نبوده است، هرچند ممکن است این توجهات و مصلحتها برای خواننده قابل پذیرش نباشد.

مشکل عمده دیگر، ترجمه مثالها بوده است. از یک سو، استدلالهای زبان‌شناختی عمدتاً بر شواهد زبانی استوارند چراکه مثالها نقش بسزایی در روشن ساختن مفاهیم ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، شواهد زبانی ممکن است در زبانهای دیگر به صورتهای دیگر ظهور یابند و ترجمه آنها نتواند نکته مورد بحث را روشن سازد. بنابراین، مترجمان دو روش کلی را در ترجمه مثالها در پیش گرفته‌اند: نخست اینکه سعی شده تا مثالها حتی المقدور تحت‌اللفظی ترجمه شوند تا مبین نکته مورد بحث باشند؛ ناگفته نماند در پاره‌ای موارد که احتمال می‌رفت اصل مثال به خواننده کمک بیشتری کند، عین آن در پانویس آورده شده است. روش دیگر این بوده که مثال به همان صورت زبان مبدأ آورده شود زیرا برگردان فارسی آن نه تنها در فهم مطلب کمکی نمی‌کرد بلکه ممکن بود موجب ابهام نیز بشود. در هر حال، از خوانندگان محترم استدعا داریم پیشنهادهای اصلاحی خود را برای مترجمان ارسال دارند تا در چاپهای بعدی لحاظ گردد.

در پایان، بر خود واجب می‌دانیم از مسئولان و دست‌اندرکاران محترم سازمان سمت که زحمت انتشار این کتاب را تقبل نموده‌اند، صمیمانه تشکر نمایم. در ضمن، از همکار محترم و نماینده سازمان سمت در دانشگاه اصفهان، جناب آقای دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، به خاطر تشویق و پیگیری مداوم برای تولید این اثر سپاس‌گزاریم؛ و سپاس آخرین اما نه کمترین خود را تقدیم جناب آقای علی اصغر رستمی می‌کنیم که در ویرایش زبانی و محتوایی اثر بسیار کوشیدند و نکات ارزنده‌ای را به مترجمان یادآور شدند.

محمد عموزاده مهدیرجی

منوچهر توانگر

شهریور ۱۳۸۲

پیشگفتار

هدف

انتشار مجموعه‌ای از کتب مقدماتی برای مطالعه زبان چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟ و حال آنکه زبان‌شناسی هم‌اکنون متون مقدماتی کافی در اختیار دارد؛ متونی تشریحی و توضیحی که در جای خود جامع، معتبر و ارزشمندند. اما متون یادشده عموماً با روشهایی آکادمیک به معرفی تفصیلی رشته زبان‌شناسی می‌پردازند و معمولاً مبسوط و تخصصی‌اند که البته، با توجه به هدف آنها، باید هم چنین باشند. ولی همین متون می‌تواند موجب دهشت مبتدیان گردد. با این همه، آشنایی گام به گام و کلی‌تر با زبان ضروری می‌نماید: متونی برای مرحله‌گذار که درک مفاهیم پیچیده را آسان سازد. این مجموعه از کتب مقدماتی نیز برای برآوردن همین نیاز طراحی شده است.

بنابراین، هدف مجموعه حاضر این نیست که جایگزین آن دسته از متون مقدماتی در زبان‌شناسی شود که دارای گرایش دانشگاهی بیشتری هستند بلکه مقصود کمک به آنها از طریق فراهم آوردن زمینه‌های ذهنی است. منطق اصلی در تهیه متون حاضر این است که پیش از توجه به ویژگیهای تفصیلی نقشه یک منطقه در مقیاس کوچک‌تر، بهتر است نقشه کلی آن ترسیم شود؛ به سخن دیگر، هدف ترسیم بافتی کلی است که جزئیات در درون آن معنی یابند. گاهی اوقات جزئیاتی برای دانشجویان مطرح می‌شود؛ بی‌آنکه جایگاهشان در طرح کلی معلوم شود. روشن است که حتی شناخت کلی مفاهیم نیز کافی نیست و همواره بررسیهای دقیق‌تری مورد نیاز است. اما به همان میزان، بررسی دقیق نیز اگر به چشم‌اندازی گسترده‌تر پیوند نیابد، ممکن است بی‌معنی و فاقد جامع‌نگری باشد. در واقع،

می‌توان گفت که پیش شرطِ تفحص در جزئیات، آگاهی از این نکته است که این جزئیات در طرح کلی چه جایگاهی دارند. بدین ترتیب، هدف این مجموعه فراهم آوردن نگرشی چنین گسترده برای ورود به حوزه‌های مختلف مطالعهٔ زبان است. در این صورت، مجموعهٔ حاضر می‌تواند به منزلهٔ مقدمه (و پیش شرطی) به شمار آید که برای پژوهشهای تخصصی‌تر دانشجویان رشتهٔ زبان‌شناسی مفید است.

البته، هدف این مجموعه صرفاً کمک به چنین دانشجویانی نیست، زیرا علاقه‌مندان بسیاری هستند که به مطالعهٔ زبان می‌پردازند بی‌آنکه رشتهٔ دانشگاهی آنها زبان‌شناسی باشد. اهمیت شناخت زبان برای چنین علاقه‌مندانی ممکن است به خاطر تحقیقات شخصی یا مقاصد کاربردی یا حتی صرفاً برای آگاهی از زبان به منزلهٔ پدیده‌ای باشد که دارای نقش محوری در زندگی روزمره‌شان است. اگر زبان‌شناسی یافته‌های قابل طرح و روشنگرانه‌ای در مورد زبان داشته باشد، چنین یافته‌هایی نباید انحصاری به شمار آید، بلکه باید در دسترس غیر زبان‌شناسان نیز قرار گیرد. مجموعهٔ حاضر به گونه‌ای طراحی شده است که این علاقهٔ عام را نیز دربرگیرد؛ به سخن دیگر، این مجموعه از یک سو به منزلهٔ پیش‌درآمدی برای مطالعهٔ زبان به طور عام و از سوی دیگر، برای حوزهٔ زبان‌شناسی در مقام شاخه‌ای علمی تدوین شده است.

طرح کتاب

ساختار کتابهای این مجموعه همه دارای الگویی واحد است. هر کتاب دارای چهار بخش تحت عناوین بررسی کلی، متون برگزیده، منابع پیشنهادی و واژه‌نامه است.

بررسی کلی

این بخش حاوی مروری کوتاه بر ویژگیهای عمدهٔ هر حوزه از مطالعهٔ زبان است که گستره و اصول تحقیق، موضوعات اساسی و مفاهیم کلیدی حوزهٔ مورد نظر را دربر می‌گیرد. مطالب به گونه‌ای بیان و تشریح می‌شود که تا جایی که ممکن است برای

کسانی که دانش و تخصصی در این زمینه ندارند نیز قابل فهم باشد. بخش بررسی کلی به زبانی ساده و قابل فهم نوشته شده و ذکر منابع متعارف علمی، آن را در هم و برهم نمی‌سازد. از این جنبه، این بخش ساده است اما ساده‌انگارانه نیست. فقدان دانش تخصصی نشانه ناتوانی در فهم یا ارزیابی آرا نیست. ناآگاهی به معنی نداشتن دانش است نه بی‌بهره بودن از هوش. بنابراین، هدف این بخش این است که سؤلهایی را پیش روی خواننده طرح کند و نقشه هر موضوع را به گونه‌ای ترسیم کند که خواننده را به تفکر وادارد و او را به مشارکت نقادانه در بررسی آرای مختلف فرا بخواند. البته، این نوع نقشه‌برداری مفهومی بی‌تردید خطرهای خود را دارد: انتخاب اینکه چه موضوعی مهم است و اینکه شیوه ارائه آن چگونه باید باشد، مورد پسند همگان، به ویژه کسانی که در این شاخه علمی تخصص دارند، نخواهد بود. اما این‌گونه بخشها معمولاً بر اساس این باور نوشته می‌شوند که اگر قرار است زبان‌شناسی در گستره وسیع‌تری قابل استفاده باشد، باید جایگزینی برای دو شق توصیف فنی موضوع از یک سو و راهنمایی ساده‌انگارانه از سوی دیگر، وجود داشته باشد.

متون برگزیده

برخی خوانندگان با یک یا دو بار خواندن بخش کوتاه «بررسی کلی» قانع می‌شوند. اما عده‌ای دیگر خواهان پیگیری موضوع هستند و از این لحاظ «بررسی کلی» را پیش‌درآمدی برای مطالعات مفصل‌تر خود می‌انگارند. بخش «متون برگزیده» مرحله ضروری گذار را پیش روی خواننده می‌نهد و از میان کتابهای تخصصی، متونی را به او معرفی می‌کند. هدف این بخش با بخش «بررسی کلی» کاملاً متفاوت است؛ در بخش متون برگزیده، مقصود این است که خواننده به جزئیات مطالبی که مطرح می‌شود و نحوه بیان آنها در منابع اصلی توجه کند. بدین منظور، سؤالاتی طرح می‌شود تا از رهگذر آنها، خواننده به نکات مطرح شده در هر متن، تناظر این نکات در متون گوناگون و نیز چگونگی پرداختن آنها به موضوعاتی که در بخش

«بررسی کلی» مورد بحث قرار گرفته‌اند، توجه یابد. قصد این است که در مواردی که برخی موضوعات برای برخی خوانندگان قابل فهم نیست، خوانندگان را با اصطلاحات تخصصی‌تر مورد استفاده در منابع زبان‌شناختی آشنا سازد و آنان را به خواندن نقادانه و دقیق ترغیب کند.

منابع پیشنهادی

از راه‌های ورود به مطالعه دقیق‌تر زبان، رجوع به بخش متون برگزیده است. راه دیگر، رجوع به فهرست توضیحی منابع در بخش سوم هر کتاب است. در این بخش، گزیده‌ای از آثار (شامل کتب و مقالات) برای مطالعه بیشتر معرفی می‌شود. توضیحاتی که در کنار معرفی این آثار آمده، نشان می‌دهد که چگونه مسائل مورد بحث در فصول مختلف «بررسی کلی»، در آنها با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌نامه

بعضی از اصطلاحات در بخش «بررسی کلی» با حروف سیاه آمده‌اند. این اصطلاحات به مفهوم تخصصی یا فنی در شاخه علمی مورد نظر به کار می‌روند و معانی آنها در حین بحث روشن می‌شود. این اصطلاحات در بخش واژه‌نامه در انتهای کتاب آورده می‌شوند. بخش واژه‌نامه برای هر اصطلاح، به بخش «بررسی کلی» ارجاع درون‌متنی می‌دهد و بنابراین، می‌توان گفت هم‌زمان کار نمایه را نیز انجام می‌دهد. این مزیت به خوانندگان امکان می‌دهد تا محل به کارگیری اصطلاحات و معنی آنها را در مباحث کلی‌تر دریابند و از این رهگذر، عملاً از بخش «بررسی کلی» به منزله مرجعی موجز استفاده کنند.

کاربرد

این مجموعه به گونه‌ای طراحی شده که از نظر کاربرد انعطاف‌پذیر باشد. هر بخش

جداگانه و مستقل است و شباهتها تنها در شکل کلی است. چهار بخش مربوط به شکل کلی کتاب که در اینجا شرح داده شد، می‌تواند مبنا قرار گیرد و بر اساس نیازها و علائق خوانندگان مختلف، به صورتهای گوناگون تلفیق شود. بعضی خوانندگان تنها به «بررسی کلی» و «واژه‌نامه» بسنده می‌کنند و شاید مایل به پیگیری منابع پیشنهادی نباشند. گروهی دیگر ممکن است خطر گام نهادن به بخش «متون برگزیده» را نپذیرند. افزون بر این، بخش «بررسی کلی» می‌تواند به منزله متن مقدماتی مناسب برای تدریس در رشته‌های زبان‌شناسی کاربردی و تربیت معلم در نظر گرفته شود و بخش «متون برگزیده» برای مباحث سمیناری در طول دوره مناسب‌تر به نظر می‌آید. خلاصه اینکه اصطلاح «مقدمات» در نظر افراد مختلف معانی متفاوتی دارد. اما در همه موارد، هدف این است که دانش تخصصی در دسترس قرار گیرد و اهمیت آن خاطرنشان شود. هدف این مجموعه نیز در کل تأمین این دسترسی و افزایش آگاهی [از میزان اهمیت موضوع] در حوزه‌های مختلف مطالعه زبان بوده است.

ا.چ. جی. ویدوسن

سر دبیر متون مقدماتی آکسفورد پیرامون مطالعه زبان